



سال هشتم / بهار ۱۳۹۸

آزادی بیان و رسانه‌ها در زمان ابهام

• اولاً کارلسون؛ ترجمه حبیب راثی تهرانی^۱

«یکی از حقوق مهم در یک جامعه آزاد، نهایتاً امکان مشارکت آزادانه در بهبود وضع جامعه و رفاه آن است. اگرچه اگر این اتفاق بیفتد باید تمام بخش‌های دولت برای همه شناخته‌شده باشد و این امکان فراهم باشد تا همگان نظر و عقیده خویش را درباره آن بخش آزادانه بیان کنند».

جملات فوق را پیتر فورسکال نوشته است، وی در سال ۱۷۳۲ در هلسینکی فنلاند، که در آن زمان بخشی از سلطنت و پادشاهی سوئد بود، به دنیا آمد. او فیلسوف، دانشمند الهیات، گیاه‌شناس و مستشرق بود. وی این سخنان را در سال ۱۷۵۹ در آخرین پاراگراف صفحه ۲۱ کتاب خود به نام «تفکراتی پیرامون آزادی‌های مدنی» نگاشته است. بیان چالش‌برانگیز و جنجالی دیگر وی در کتاب فوق مربوط به پاراگراف صفحه ۹ می‌شود، آنجا که فورسکال تنها جایگزین خشونت را آزادی رسانه‌های چاپی بیان می‌کند:

آزادی رسانه‌های چاپی موجب ارتقای بسیار زیاد دانش می‌شود و تمام قوانین آسیب‌زننده و مضر را از بین می‌برد، بی‌عدالتی اداری را محدود می‌کند و مانند سد دفاعی برای دولت در یک فضای آزاد است. زیرا چنین فضایی مردم را دوستدار این‌گونه دولت قرار می‌دهد... یک دولت خردمند به مردم اجازه می‌دهد تا نارضایتی‌های خود را به‌جای اسلحه با قلم بیان کنند که از طرفی موجب روشنگری می‌شود و از سوی دیگر از افزایش بی‌نظمی و هرج‌ومرج جلوگیری می‌کند.

در پاراگراف فوق فورسکال فهم مدرن آزادی بیان را پیش‌بینی و از پیش ترسیم کرده است که شامل آزادی اطلاعات - که در آن رسانه‌ها نقش اصلی ایفا می‌کنند - و رسانه‌ها به‌عنوان فضای عمومی هستند.

اگرچه نظرات فورسکال درباره قدرت آزادی بیان در آن زمان تا حدی غیرواقعی می‌کرد. زیرا به‌طور غیرمنتظره‌ای بعد از اینکه به وی اجازه انتشار نسخه سانسور شده کتابش داده شد، ولی پس از مدتی تمام نسخه‌های کتاب جمع‌آوری و ممنوع اعلام شد و وی پس از ارباب و تهدید به مرگ مجبور به فرار از کشور شد.

فورسکال در سال ۱۷۶۳ در ۳۱ سالگی به بیماری مالاریا درگذشت، ولی حقوقی که وی در کتاب *تفکر/تبی پیرامون آزادی‌های مدنی* فهرست‌وار به آن‌ها اشاره کرده بود تقریباً شامل تمام مواردی می‌شد که حدود سی سال بعد در اعلام حقوق بشر و شهروند فرانسه در سال ۱۷۸۹ در سال انقلاب فرانسه به آن‌ها اشاره شده است.

سال ۲۰۱۶، دویست و پنجاهمین سالگرد آغاز جنبش آزادی مطبوعات در جهان بود. در چشم‌اندازی بلندمدت، فورسکال به‌درستی می‌گفت که توسعه‌یافتگی جامعه و آزادی بیان - و آزادی اطلاعات - به هم مرتبط‌اند و برهم تأثیر می‌گذارند. حافظه تاریخی سرشار از شواهد مؤید این فرض است و به همین دلیل سخن او همچنان دارای اعتبار است ولی ما باید مراقب باشیم و از شواهد و تجارب تاریخی گذشته به‌مثابه عنوان راهکار و راه‌حل‌های اسطوره‌ای امروز استفاده نکنیم، زیرا در وضعیتی که بدبینی نسبت به آینده وجه غالب پیدا کرده است، استفاده از تاریخ برای سخن‌گفتن درباره آینده، وسوسه‌انگیز می‌شود.

این مقاله با توجه فضای جوامع جهانی و چند فرهنگی معاصر نگاشته شده است. در عصر جهانی‌شدن و دیجیتالی شدن، پارادایم بازار که مبتنی بر جمع‌آوری درآمدهای شخصی و خصوصی است تبدیل به نیروی محرکه پشتیبان و اساس سازمان زندگی اجتماعی در تقریباً همه کشورهای جهان شده است.

قدرت دولتی در سایه ظهور ساختار قدرتی جدید مورد بازنگری قرار گرفته است، که روابط دولت-ملت در همه فضای آن از جمله فضای عمومی، خصوصی، مدنی یا طبیعی تعریفی دوباره می‌یابند.

مؤسسات قدیمی در حال از دست دادن میزان مقبولیت خود هستند. تغییرات آب‌وهوایی، مشکلات اقتصادی، جنگ، فقر، سیل، آوارگان و پناهندگان، مهاجران، تروریسم، افراطی‌گرایی و تندروی مشکلات و مسائلی هستند که تقریباً همه ما در این زمانه نامطمئن و پرابهام با آنها روبرو هستیم (Grin et al. 2010; Rothstein 2011; Charron et al. 2013; Altvater 2013; Beck 2008; Beck et al. 2014).

موضوع بسیار مهم و حیاتی این است که تحقیقات اجتماعی منجر به افزایش درک انسان‌ها از مشکلات و بحران‌های موجود شود. چالش اصلی تنها تشریح و توضیح این مشکلات نیست، هدف اصلی تحقیقات یافتن راه‌حل و ارتباط با افراد در رأس قدرت است که در این صورت نتایج و یافته‌های پژوهش‌ها موجب تغییرات خواهد شد. تحقیقات رسانه‌ای نیز از این امر مستثنی نیست، ما نیاز داریم تا درک خود را درباره محصول فرایند توسعه کنونی در جامعه به‌شدت «سیم‌کشی‌شده»، افزایش دهیم که شاید مهم‌ترین و ضروری‌ترین کاربرد آن‌ها در دموکراسی و حقوق بشر باشد. ما می‌توانیم از نوع روحیه تعلیم و تربیت و شجاعتی بیاموزیم که ۲۶۰ سال پیش راهنمای پیتر فورسکال بود.

آزادی بیان در گذر فرهنگ دیجیتال

جامعه دستخوش تغییرات می‌شود، ولی اصولی اساسی دموکراسی همواره صحیح و درست باقی می‌ماند. روشن است که به دلایل مختلفی همچون فقر شدید، بی‌عدالتی اجتماعی، آموزش‌وپرورش ضعیف، تبعیض جنسیتی، تبعیض قومی و مذهبی، بیکاری، دسترسی اندک به خدمات بهداشتی و دسترسی محدود به اطلاعات و دانش همه شهروندان در وضعیت یا جایگاهی نیستند تا عملاً به همه یا بخشی از حقوق خود دست یابند.

بیش از نیمی از جمعیت جهان هیچ‌گونه دسترسی به اینترنت ندارند (ITU 2015). دسترسی به اطلاعات برای همه - که مستلزم دسترسی به اینترنت برای همه است - یکی از بندهای اساسی بیانیه ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد مصوب سپتامبر ۲۰۱۵ است. مردمی که در مناطق جنگ‌زده و ناامن زندگی می‌کنند، به‌طور ویژه‌ای آسیب‌پذیرند. میلیون‌ها نفر از مردم امروزه از خانه و کاشانه خود رانده شده و هیچ‌گونه حق مدنی ندارند. جهانی‌شدن و دیجیتالی

شدن ملت‌ها و مشکلات اقتصادی را از فاصله دوری به هم مربوط ساخته است. هرچند افق‌ها وسیع‌تر شده‌اند ولی به نظر می‌رسد بخش‌هایی از جهان بیشتر در حاشیه باقی مانده است. برخی مردم احساس نیاز می‌کنند که از هویت خود دفاع کنند و هنگامی که جایگاه‌های فرهنگی رایج و معمول قادر به ادامه حیات نیستند، سنگ‌هایی پیرامون فرهنگ‌های محلی، باورهای مذهبی و اجتماعی شروع به رشد و ظهور می‌کنند. تفوق یا برتری موانع و محدودیت‌ها و دفاع از موانع وجوه دوگانه فرایند جهانی شدن هستند (Anderson 1991; Jonsson 2001). ما باید این زمینه را درک کنیم تا با تشخیص و شناخت فناوری‌های ژئوپولوتیک و فناوری جدید و راهبرد متناسب جهانی شدن بتوانیم تأثیرات هنجاری قوی بر آزادی بیان بگذاریم و آن را در جامعه مدرن امروزی به منصفه ظهور رسانیم.

چندین تحقیقات انجام شده پیرامون توسعه اجتماعی، اهمیت کیفیت حکومت (دولت) در شکل‌گیری مؤسسات خوب، میزان اعتماد بین فردی و آزادی بیان را تأیید می‌کند (Norris 2013; Charron et al. 2012, 2004). آزادی بیان رویه و نتیجه دموکراسی است. این حق مستلزم حفظ مسئولیت و احترام در قبال حقوق دیگران است. همچنین محدودیت‌های آزادی بیان نیز ثابت نیستند و با توجه به زمینه و ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای تغییر می‌کنند.

ولی شکی نیست که این قانون در جایی است که مسئولیت هم تعریف شده باشد. آزادی بیان ابعاد حقوقی، قانونی، اخلاقی و معنوی دارد و در نهایت سؤالی درباره این عقیده بنیادین است که همه انسان‌ها با هم برابرند (Ronning 2009, 2013)، ولی به نظر می‌رسد تقریباً همیشه همه آمادگی دارند تا حمایت خود را از حقوق بشر و آزادی بیان ابراز کنند- آنچه آزادی بیان را دشوارتر و پیچیده‌تر می‌سازد بحث‌های خوب و بدی است که ممکن است درباره محدودسازی آن صورت بگیرد.

آزادی مطبوعات تحت فشار

تاریخ رسانه‌ها بستر یا خط سیر آزادی بیان را طی تطور خود دارد، آزادی مطبوعات، تکثرگرایی و استقلال رسانه‌ها براساس اصول دموکراسی لازم و ضروری است. بدون در نظر گرفتن اینکه آیا عمل انتشار به صورت آنلاین انجام می‌گیرد یا خیر. رسانه‌ها از دیرباز به عنوان منابع اصلی و

مشارکتی اطلاعات، دیده‌بانان و عرصه مطرح‌شدن بحث‌های همگانی بوده‌اند و هم‌اکنون نیز به‌عنوان تشکیل‌دهنده فضای عمومی- بر اساس پیوندی که میان رسانه‌ها، دموکراسی و درگیری‌های مدنی وجود دارد- محسوب می‌شوند (Askenius and Ostergaard 2014).

همه‌روزه شاهد تهدیداتی سر راه آزادی بیان و آزادی مطبوعات هستیم که شامل اشکال جدید سانسور بیان و گفتار، خودسانسوری، تجسس، نظارت و کنترل، گفتار تنفرآمیز، دروازه‌بانی اطلاعات غلط مربوط به تبلیغات سیاسی، عملیات ترور، قوانین ضد ترور و جرائم سازمان‌دهی شده می‌شوند. آزادی اطلاعات یکی از مشکلات موجود در بیشتر کشورهاست ولی در مناطقی که با فشارهای اجتماعی قومیتی و سیاسی، درگیری‌های نظامی یا وضعیت اضطراری ناشی از فجایع و بحران‌ها روبرو هستند، اهمیت ویژه‌ای دارد.

حتی موارد آشکاری از قتل روزنامه‌نگاران یا منابع آن‌ها وجود دارد. بیش از ۷۰۰ روزنامه‌نگار، کارمند رسانه و تولیدکننده شبکه‌های اجتماعی طی ده سال گذشته به قتل رسیده‌اند. روزنامه‌نگاران محلی به‌طور ویژه هدف تهدیداتی از تهدید، تخویف، ارباب گرفته تا توقیف خودسرانه شده‌اند که شامل حمله به زنان روزنامه‌نگار توسط مردان متنفر از زنان بوده است (UNESCO 2015; Poyhtari 2016).

این اعمال از وجوه مختلف پیامدهای یک فرایند گذر گسترده است که شامل سیاست، اقتصاد و در نهایت فناوری اطلاعات می‌شود. دیجیتالی شدن و جهانی‌شدن- به همراه رشد فزاینده تجاری شدن و همگرایی رسانه‌های همگانی در جریان خود- نظام‌های ارتباطی ما را با توجه به زمان، فضا و رفتار اجتماعی [ما] دستخوش تغییر کرده است، که در نهایت منجر به تغییر کارایی و مدیریت رفتارها و بازار شده است. به‌عبارت‌دیگر زمینه و بستر آزادی بیان تغییر کرده است.

جامعه ارتباطی امروز ظرفیت‌های بالایی دارد. ما به اطلاعات و دانش و مشخصات اتفاقاتی که همین دیروز در فاصله بسیار دوری از سرزمین ما رخ داده است، دسترسی داریم، و قادر به تعامل و ارتباطی هستیم که قبل از این هرگز امکان آن فراهم نبود.

رسانه‌ها و ارتباطات، منابع فرهنگی و اجتماعی هستند که هم در توانمندسازی مردم در وجه شخصی و هم در تبدیل آن‌ها به شهروندان دموکراتیک نقش اساسی دارند.

از این چشم‌انداز، فرصت‌های موجود برای بیان آزادانه افکار در پرتو رسانه‌های اجتماعی هیچ‌گاه تا این اندازه گسترده نبوده است. ولی همچنان باید توجه داشت که این امر فقط در مورد افرادی صدق می‌کند که به اینترنت دسترسی دارند. تجربه انسانی به ما می‌گوید، اگرچه، فناوری‌های جدید همواره منافع چشمگیر و مهمی به ارمغان می‌آورند ولی شامل خطراتی نیز می‌شوند (Ellul 1964; Winston 1998; Livingstone and Haddon 2009).

افزایش خروجی رسانه‌ها منجر به افزایش اختلاف میان گروه‌ها بر اساس میزان استفاده از رسانه‌های مختلف، به‌ویژه رسانه‌های خبری می‌شود، برای علاقه‌مندان به مباحث سیاسی و اجتماعی، شانس پیدا کردن گزینه‌های خبری و روزنامه‌نگاری مطلوب و کیفی هرگز بیشتر نشده است و در مقابل بسیاری از این گزینه در جهت افزایش مصرف خبری خود بهره می‌برند. کسانی که هیچ علاقه‌ای به مباحث سیاسی و اجتماعی ندارند هرگز نتوانسته‌اند کم یا زیاد از مواجهه با رسانه‌های خبری متنوع و اخبار و اطلاعات نادرست خودداری کنند.

طبق تحقیقات موسسه وسترن، این امر موجب به وجود آمدن خط شکاف آگاهی بزرگ‌تر (عمیق‌تر)، شکاف مشارکتی بیشتر و کاهش همبستگی (وابستگی) اجتماعی- با افزایش نابرابری بین طبقات اجتماعی می‌شود (Norris 2012; Lee et al. 2013; Stromback 2013, 2014;) (Bennett et al. 2012; Ekstrom et al. 2014; Fenton 2014). اشکال جدید شرکت‌های رسانه‌ای چندملیتی مانند گوگل و فیسبوک به‌طور فزاینده‌ای تبدیل به فعالان قدرتمندی در چشم‌انداز فردی، سیاسی و صنعتی شده‌اند.

امروز بسیاری از بخش‌های جوامع به‌طور عمیقی به این شرکت‌ها وابسته شده‌اند. این شرکت‌ها مصرف و تبدیل حجم وسیع اطلاعات و آگاهی را با استفاده از خدمات متنوع دیجیتالی ممکن ساخته‌اند که بعضی از این خدمات موجب سود بیشتر یا سرگرمی می‌شوند. ولی این شرکت‌ها هم‌زمان در حال جمع‌آوری اطلاعاتی وسیع درباره کاربران خود هستند. اطلاعاتی که می‌توان برای همه‌چیز از تبلیغات، کنترل مصرف‌کننده گرفته تا تجسس عملی درباره کاربران، استفاده کرد.

قدرت حاکم بر کاربران با تغییر الگوریتم‌ها، ساختارها، اصطلاحات در راهبردها به‌طور غیرشفافی اعمال می‌شود، که این شرکت‌ها را به دارندگان انحصاری اطلاعات و داده‌ها تبدیل کرده است یا می‌کند. و رسانه‌های محلی و منطقه‌ای خود را در مواجهه با شرایط کاملاً جدیدی

می‌یابند که در آن رقابتی کاملاً خشن و نابرابر در جریان است (Fuchs et al. 2013; Fuchs 2014; Freedman 2014; Syvertsen et al 2014; McChesney 2015).

صداقت و صراحت اینترنت که یکی از عوامل ارزشمندسازی آن محسوب می‌شود، منجر به آسیب‌پذیری آن نیز شده است. همچنین قابلیت‌های گوناگون چنین وسیله‌ای ارتباطی، فرصت‌های جدیدی را برای بیان حریم خصوصی و امنیت که از مهم‌ترین جنبه‌های استفاده از فضای وب هستند، فراهم می‌آورد. ولی تأمین امنیت وب بدون پیوند زدن و همراه ساختن آن با حریم خصوصی یا آزادی بیان منجر به خدشه‌دار شدن تعادل شکننده بین این دو عنصر می‌شود. این واقعیت که فضای عمومی دیجیتال فراتر از مرزهای کنترل ملی است - درحالی‌که این خدمات را شرکت‌هایی ارائه می‌کنند که پایگاه آن‌ها در خارج از کشور و گستره خدمات آن‌ها جهانی است - پیامدهای عمیقی برای مردم بسیاری از کشورها دارد. هم‌اکنون اتفاق نظر بین‌المللی روزافزونی بر سر اهمیت راه‌حل‌های جهانی برای مشکلات همگانی وجود دارد - توافقی که دستور آن بر مبنای تفکر و محاسبه جهانی و عملکرد منطقه‌ای و ملی استوار است. متأسفانه این‌گونه بیانیه‌ها اغلب نادیده گرفته می‌شوند - هم‌اکنون همگام‌سازی و بسیج فعال مردم برای اجرای این توافقات از اهمیت فراوانی برخوردار است. اما جهت نیل به پیشرفت واقعی نیاز فوری به رویکردی جدید از حکومت (دولت) جهانی وجود دارد که بر مبنای سهامداران چندملیتی/چندگانه استوار باشد.

چالش‌های فراوانی در سر راه سیاست‌گذاری‌ها، بخش تجارت، جامعه مدنی، جامعه دانشگاهی، اقدامات بشردوستانه و... در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد. در وهله نخست این موضوعی درباره اراده از منظر دموکراتیک است (Beck, 2006).

پایداری (ثبات) آینده: تمرکز بر آموزش و آگاهی

به هنگام بحث درباره آینده دموکراسی و آزادی بیان پیامدهای بسیاری را باید به شمار آورد از آن جمله است تغییر و تحولات رخ داده در روابط بین قدرت سیاسی و بازار که تبدیل مؤسسات همگانی به شرکت‌های خصوصی در آن نمود بیشتری داشته و در کانون تغییرات قرار دارد. این تغییرات در عوض بر بنیان‌های آزادی و استقلال رسانه‌ها تأثیر می‌گذارد، برای سلامت هر نظام دموکراسی نوعی حس همبستگی لازم و ضروری است و اگر این حس همراه مؤسسات

و نهادها باقی نماند در مقابل حتماً باید در سطح بالاتری در نزد شهروندان حفظ شود. البته در صورتی که نهادهای جدید در حال تشکیل باشند (Habermas 1989, 2006; Castells 2009; Beck 2008; Charron et al. 2013; Beck and Cronin 2014; Svallfors 2015).

وضعیت (حاضر) بر این واقعیت تأکید می‌کند که جوامع پیچیده امروزی نیاز به شهروندان آموزش‌دیده، شایسته، باکفایت صلاحیت‌دار و متخصص و منتقد دارد تا بدین‌وسیله دموکراسی و آزادی بیان حفظ شود. ارائه تسهیلات مدرسه خوب برای پسران و دختران در این مورد ضروری است (UNESCO 2013, 2015; EFA 2014; Putnam 2015).

در این زمینه اجتماعی، سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی به‌عنوان یک توانش هسته‌ای برای شهروند درگیر در دموکراسی دوسویه مورد تأکید قرار می‌گیرد. سرمایه‌گذاری در امر آموزش رسانه‌ای برای آگاه‌سازی شهروندان و بهبود توانایی‌های آن‌ها منجر به محیط رسانه‌ای سالم‌تر و سودمندتر (سازنده‌تری) می‌شود (UNESCO, 2013; Mihalidis 2014; Carlsson 2015).

اینکه پژوهشگران اخیراً نتیجه گرفته‌اند که: بهبود و افزایش سواد رسانه‌ای یکی از راه‌های خلق (ایجاد) ارزش‌های همگانی است که فراتر از علایق و سود و زیان فردی می‌رود و جامعه را به‌عنوان یک کل منتفع می‌سازد (Radoslavov 2014).

از این چشم‌انداز، اگر ما در پی درک فرآیندها در عمل باشیم، نیازی جدی و آشکار به آگاهی بیشتر و رویکردی جدید وجود دارد. با توجه به چالش‌های جامعه معاصر در مواجهه با آزادی بیان رسانه‌ها و فرهنگ دیجیتال، ضروری است که تحقیقات اجتماعی عوامل مختلفی را در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی درگیر کرده و آن‌ها را تشویق کنند تا علی‌رغم موانع و محدودیت‌های قومیتی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی با یکدیگر به‌طور مشترک کار کنند.

فرایند جهانی شدن نه‌تنها ما را مجبور می‌کند که عموماً بیشتر بر پدیده‌های چندملیتی تمرکز داشته باشیم، بلکه به اختلافات چندملیتی نیز توجه کنیم و در پی کشف آن‌ها باشیم.

به‌عنوان نمونه بسیار مهم و ضروری است که بدانیم چگونه اصول آزادی بیان، آزادی اطلاعات و آزادی مطبوعات در فرهنگ‌های مختلف با توجه به سازمان‌های دولتی گوناگون و عقاید بسیار متنوع و فرهنگ‌ها در خصوص نقش افراد در جامعه با یکدیگر تفاوت اساسی دارند (Price 2015).

مفاهیم فی‌نفسه موجودیت مستقلی ندارند بلکه معنای خود را از زمینه و بستر مجرای خود اخذ می‌کنند. همچنین رعایت این نکته بسیار حائز اهمیت است که باید رویکردی جدید طوری طراحی و ارائه شود که منجر به کاربست و پیشبرد بیشتر قوانین بین‌المللی شود که زمینه‌ساز حقوق اساسی بشر و حقوق مدنی مانند آزادی بیان در بسترها و زمینه‌های جدید، می‌شوند. داشتن یک طرح تحقیقاتی استوار و طراحی‌شده خوب بین‌المللی، منطقه‌ای یا ملی - با داشتن تاریخچه‌ای از پیشینه این حوزه - از هر زمانی اهمیت بیشتری یافته است. به‌عنوان یک پژوهشگر به یک طرح تحقیقی نیاز داریم که در آن بتوانیم ارتباط سؤالاتی که طراحی کرده‌ایم - که با مؤلفه و مفاهیمی همچون قدرت، هژمونی، برابری و عدالت سروکار داریم - در انتخاب دیدگاه زمینه و روش نظری خود عادلانه‌تر رفتار کنیم و اعتبار یافته‌های خود و نتایج حاصل از آن‌ها را بسنجیم.

حال زمان آن فرا رسیده است که ظرفیت خود را برای پیشنهاد و طراحی مدلی با بیشترین سهم در الگوی تمدنی جهان‌شمول بسنجیم. این موضوع درباره آگاهی جمعی ماست، یعنی توانایی ما در اتخاذ یک رویکرد انتقادی نسبت به خلاقیت‌ها، اتحاد و یکپارچگی و اخلاق ما، و علی‌الخصوص اراده ما. برای آسان‌گرفتن و تسهیل آن (کار) ما باید جرئت پیدا کنیم تا بیشتر کارکنیم و باید آن را با همکاری یکدیگر انجام دهیم.

منابع

- Altvater, E.; Habermas, J.; Offe, C.; Schulmeister, S.; Streeck, W.; Zimmermann, H. (2013). *Demokratie oder Kapitalismus? Europa in der Krise*. Berlin: Blätter Verlagsgesellschaft mbH.
- Anderson, B. R. O'G. (1991). *Imagined communities: reflections on the origin and spread of nationalism* (Revised and extended. ed.) London: Verso.
- Askenius, T. and Stubbe Østergaard, L. (eds) (2014). *Reclaiming the Public Sphere. Communication, Power and Social Change*. Hampshire: Palgrave (Palgrave Studies in Communication for Social Change).
- Beck, U. and Cronin, C. (2014). *Cosmopolitan Vision*. Cambridge: Polity Press.
- Beck, U. (2008). *World at Risk*. Cambridge: Polity Press.
- Beck, U. (2006). *Cosmopolitan Vision*. Cambridge: Polity Press.
- Bennett, W. L. and A. Segerberg (2012). *The Logic of Connective Action*. *Information, Communication & Society*. 15 (5): 739-768.
- Carlsson, U. (2015). *Media and Information Literacy: A Crucial Element in Democratic Development?*. In: G. Lister (ed.) *Media Support of Sustainable Development and a Culture of Peace*. Jakarta: UNESCO, pp. 73-78.
- Castells, M. (2009). *Communication Power*. Oxford: Oxford University Press.
- Charron, N.; Lapuente, V. and Rothstein, B. (2013). *Quality of Government and Corruption from a European Perspective*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Ltd.

- EFA, Education for All (2015). Paris: UNESCO
<http://www.unesco.org/new/en/education/themes/leading-the-international-agenda/education-for-all/>
- Ekström, M.; Olsson, T. and Shehata, A. (2014). Spaces for Public Orientation? Longitudinal Effects of Internet Use in Adolescence. *Information, Communication & Society* 17(2): pp.168-173.
- Ellul, J. (1964). *The Technological Society*. New York: Knopf.
- Fenton, N. (2014). Defending Whose Democracy? Media Freedom and Media Power. *Nordicom Review* 35(Special Issue August): pp. 31-43.
- Forsskål, P. (1759). *Thoughts on Civil Liberty*. Translation of the original manuscript with back ground. Stockholm: Lars Salvius (republished Stockholm: Atlantis, 2009)
- Freedman, D. (2014a). Media Policy Research and the Media Industries. *Media Industries Journal* 1(1): pp. 11-14.
- Freedman, D. (2014b). *The Contradictions of Media Power*. London: Bloomsbury.
- Fuchs, C. (2014). Social Media and the Public Sphere. *Triplec* 12(1): pp. 57-101.
- Fuchs, C. and Sandoval, M. (2013). *Critique, Social Media and the Information Society*. London: Routledge.
- Grin, J.; Rotmans, J.; Schot, J. (2010). *Transitions to Sustainable Development. New Directions in the Study of Long Term Transformative Change*. London: Routledge.